

آیه ۱۵۰ را نگاه بکنید لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَاَلَمْ يَغْمِي عَلَيْكُمْ وَاَلَمْ يَهْتَدُوا

بحث این است که شما رو به قبله باشید. در هر کاری وجهه تان را رو به قبله بکنید، البته یک ادب دینی است که انسان همیشه رو به قبله باشد، اما نکته این است که بحث این ادب دینی را نمی خواهد بگوید، می گوید شما وجهه ی حرکتتان به سمت قبله باشد یعنی به سمت امام. که در همین آیه ۱۵۰ دارد که هر جایی بودید **فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ** خودتان را به آن سمت بگردانید لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ تا مردم دیگر بر شما هیچ حجتی نداشته باشند، معلوم است که بحث قبله به معنای جهت نیست زیرا در آیه ۱۴۲ مشخص شده که بحث قبله به خاطر این است که شما امت وسط باشید تا هویت خودتان، جهت گیری خودتان، امامت خودتان و قبله خودتان را پیدا کنید.

لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولَ عَلَيْكُمْ شَهِيداً شما امت وسط شدید تا این که بین پیغمبر و کل مردم باشید، این جهت که جهت امتی قبله است **وَ مَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَ إِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ**

این جهت هویت دار قبله که پیغمبر دنبال آن بوده، زمینه ای است برای رسیدن به هویت خودتان که همان امامت است، امامتان اینجا دارد معنا می شود، آن موقع است که آیه ۱۵۰ شبیه آیه ولایت شده است.

فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَاَلَمْ يَغْمِي عَلَيْكُمْ وَاَلَمْ يَهْتَدُوا زمینه ای است برای استحکام حکومت اسلامی که بر اساس عنصر ولایت است. برای همین است که تاکید می کنیم که قبله به معنای جهت نیست، البته کیفیت دفن میت و نماز خواندن به جهت قبله و شرافت داشتن غذا خوردن به سمت قبله و اینکه هر کاری می خواهیم بکنیم استقبال به قبله کنیم، جهت تقویت قبله است برای انسان ولی قبله برای نماز خواندن نیست، قبله هویت بخش بوده است.

آیه ۱۴۲ را نگاه کنید که مسئله قبله مطرح شده، اصلاً آن جا بحث نماز طرح نشده و می بینید که دوباره در آیه ۱۴۴ آنجا که **قَدْ تَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ حَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ**

یعنی جوری بوده است که می دانستند این یعنی یک هویت، برای همین است که در آیه ۱۴۵ این را دارد **وَ لَئِنْ أَتَيْتَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ مَا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ وَ مَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتِهِمْ وَ مَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ** یعنی هیچکس زیر بار قبله طرف مقابل نمی رود زیرا این بحث هویتی است و بحث این نیست که به این جهت نماز بخوانیم یا به آن جهت نماز بخوانیم؛ بلکه در مسئله قبله بحث رسیدن به جایگاه خلافت و امامت است. وقتی که شما این را متوجه شدید که قبله قرار است که الخیرات را جهت دهی کند، یعنی همه خیرات برمی گردد به آن سمت، اینجاست که در آیه ۹۲ سوره انعام می فرماید:

وَ هَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدِّقٌ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لِنُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَ مَنْ حَوْلَهَا وَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ

چرا شما می گوید معنای ام القری حالت تغذیه شدن است؟ حضرت موسی وقتی پیغمبر می شود دارد که **بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا** یعنی آن کس که رفته در آتش مبارک است و به تبع آن چیزی که دارد مبارک می شود، تشعشعات آن به بقیه می رسد، معنی ام القری یعنی همین **أُمَّ الْقُرَى وَ مَنْ حَوْلَهَا** به عنوان مرکز زمین تعیین می شود.

و هذا كتاب أنزلناه مبارك مُصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لِنُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَ مَنْ حَوْلَهَا بعضی می خواهند ام القری را معنای مکانی در زمین بگیرند و سوره شوری را قرینه می گیرند برای اینکه نشان دهند این بحث مکانی است.

وَ الَّذِي يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ اینکه این کتاب مبارک بوده مُصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ ربطی به مکان ندارد، این ارتباط به مکانت دارد که این جا مرکز جهان هستی است و برای همین ماجرای دحوالارض و پیداشدن حیات هم از همین طریق انجام می شود.

همچنین در آیه ۷ شوری در صفحه ۴۸۳ آمده :

وَ كَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِنُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَ مَنْ حَوْلَهَا وَ نُنذِرَ يَوْمَ الْجُمُعِ لَا رَبَّ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَ فَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ

بعضی خواستند با این نوع بیان بگویند که لِنُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَ مَنْ حَوْلَهَا یک بحث مکانی است به دلیل قُرْآنًا عَرَبِيًّا

که اتفاقاً شاهی هست برای این که بحث مکانی نیست، قرآن عربی اگر به معنای همین زبان عربی باشد که فقط مربوط به مکه نیست و زبان خیلی جاهای دیگر هم زبانشان عربی بوده و یک بحثی در قرآن دارد که عربی بودن در مقابل عجمی بودن و گنگ بودن است یعنی به عبارتی اشاره به زبانی ندارد که این جا معنایش عربی است یا عجمی؟ مثلاً ما در آیات قرآن این را خیلی داریم که ما قرآن را عربی نازل کردیم که لعلکم تعقلون که شما بتوانید تعقل کنید، یعنی این جا عربی بودن به معنای زبان عربی نیست بلکه یعنی گنگ نیست و روان است به گونه ای که می توانید در آن تأمل و تعقل بکنید.

در جاهای مختلف این را دارد: وَ كَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَ صَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ (۱۱۳ طه)

آیه ۳۷ سوره مبارکه رعد را ببینید وَ كَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ حُكْمًا عَرَبِيًّا

زبان عربی داریم ولی حکم عربی نداریم، عربی یعنی روشن و گویا، نه عربی به معنای زبان عربی.

تمام معانی پیوند و پیوست با معنی «أم» انجام می شود. و حتی برای همین است که معنی صله رحم یعنی پیوستها و نسبت پیدا کردن با امام که آن هم از «أم» می آید، به واسطه آن عنصر زنانگی عالم است آن پیوند و پیوست را ایجاد می کند.

حالا که مقداری به بحث أم القراء و جایگاه کعبه و جایگاه بیت الله الحرام و جایگاه حج و امثال اینها نزدیک شدیم، یک تیتری ما اینجا داریم و آن اینست که به لحاظ قرآنی کعبه هم دوش مناست.

آیه ۹۷ مائده، یعنی کعبه و منا دو جزء رئیسی و هویتی خود اصل پدیده حج اند. آیه ۹۷ سوره مبارکه مائده صفحه ۱۲۴. دارد که اون چیزی که مایه قیام است جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَمًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلْتَيْدَ. به این بعد توجه کنید که کعبه بیت الله الحرام را خدا مایه قیام قرار داده و این ماه شهر حرام را که ماه حج است وَالْهَدْيَ وَالْقَلْتَيْدَ یعنی گوسفندان یعنی خود مسأله قربانی های نشان دار و بی نشان، که حرف بزرگی پشتش زده است ذَلِكَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ خود کعبه به اضافه مسئله منا و قربانی های منا اینها برای این است که شما بفهمید خدا میداند. یعنی انگار قیام پیدا میکند و شما مردم با اینها قیام پیدا میکنید، با این دو عنصر. زمانی که با این دو عنصر وقتی قیام پیدا کردید آنها میدانند و چیزایی میفهمند که خدا چکار میکند چگونه کار میکند چگونه ناظر به همه چی عالم است و عملاً دین فهم هستند.

این نکته ای که اینجا وجود دارد برخی به آن توجه کردند این است که ما غیر مسجد مسلخ هم باید داشته باشیم. ما یک مسئله ای داریم به نام عید فطر، اینجا من یک پرائتز باز بکنم. ببینید تکثر اعیاد و تکثر شرایع به شعائر که ما به آن مبتلا هستیم یک چیز مطلوبی نیست. ما فکر میکنیم بابت هر چیزی باید جشن بگیریم و عید اعلام کنیم. خب این اصلا خودش باعث توهین به شعائر میشود. مثلا شما دیدید که یکسره یک دهگی را اعلام میکنند که الان فصل عزاست. وقتی شما این را میگویید فصل عزاست مگر چقدر آدم میتواند یکسره خودش را در موقعیت عزا قرار بدهد؟ ائمه اصلا اینکار را نمیکردند حتی سر بحث شهادت‌های ائمه، ائمه هیچ برخورد خاصی نشون نمیدادند. مثلا فرض کنید امام رضا (ع) بخواهند در مورد شهادت امام سجاد (ع) یک برخورد شعائری انجام بدهند. یکی هم احتمالا ممکن است همین باشد. این مطلب مهم رو آقای شیرازی زنجانی یک موقعی به آن اشاره کردند دیدم حرف، حرف دقیقی است. اعلان بیش از اندازه شعائر و جشن‌ها و عیدها موجب توهین به عیدها میشود اتفاقا. ببینید ما کلا دو سه تا عید بیشتر نداریم که همه آنها موضوعشان بندگی کردن است. همه موضوع این دو سه تا عید موضوعشان بندگی کردن است. شما نگاه کنید ما یک عید فطر داریم، پس از آن دقیقا ۳۰ روز ایام ماه مبارک رمضان کسی خودش را اینقدر در برابر خدا به زمین میزند، هویت خودش را به زمین میزند، تمام شهوات خودش را به زمین میزند، این در حقیقت میشود عیدی به نام عید فطر، دیگر این عید بندگی خالص است.

عید دیگری که ما داریم عید خون است. عید خون، که بعد اجتماعی آن خیلی زیاد است. اتفاقا با همین آیه ای که خوانده شد و روایات دیگه ای که دارند بعد اجتماعی در آنها خیلی زیاد است. این که بعضی میگویند که چه میشد اگر اینها گوسفندان را می آوردند، پولش را و آنجا نمی دادند، آنجا نمی کشند و می آوردند در سرزمین خودشان می کشتند، کسی که این حرف را می زند اساسا موضوع را نمی فهمد. آنجا موضوع این است که تعداد زیادی شتر و گاو و گوسفند و سایر قربانیاها باهمدیگر در یک روز سر بریده بشود. به این عید، عید خون گفته میشود. این یک پیامی است به دشمن به عبارتی. مثلا اینطور دیده شده است که ما کنار معبدمان و مسجدمان و بیت الله الحرامان که محل قبله است با ترتیب‌هایی که در خود اعمال نوشته شده است (که ان شاء الله اشاره خواهم کرد) اینطور خون به پا میکنیم، اینطور خون می‌ریزیم، اینگونه از خودمان میگذریم. در واقع به تبعیت از حضرت ابراهیم که داشت پسرش را می‌کشت، ما اینگونه ایستاده ایم پای کار. اشداء علی الکفارمان جدی است. کنار این معبدها، مسلخ‌ها وجود دارد. ما خون می‌ریزیم. ما پایش بیفتد عید خون هم به پا میکنیم. این دیده شده است در بحث منا و قربانی کردن برای منا. ضمن اینکه هوا و هوس خودمان را میکشیم. قیاما للناس بله بسیار حماسی است مسأله منا و قربانی منا. و این زمان عید گرفتن است، عید خون‌ریزی، عید خون. از این مسأله در بیانات عید خون بسیار یاد می‌شود. ما اینقدر دل رحم و مهربان و منفعل نیستیم نسبت به دشمن.

ما سنگ‌هایمان را از مشعر شعور برمیداریم، سنگ‌های خال‌دار که نشان از دقیقا زرق و برق دنیا دارند، اینها را برمیداریم از آنجا برمیداریم که بزنییم به سر شیاطین و بعدش خون میریزیم. بزنییم به سر شیاطین، جمرات انجام بدهیم و این دست کارها این عید دارد آن موقع.

ما دو یا سه عید داریم، یکی عید فطر، یکی عید قربان که معمولا در کشورهای اسلامی به شدت به آن اهتمام میکنند، و متاسفانه ما اصلا بهش اهتمام نمیکنیم. و عید غدیر خم هم به عنوان عید سوم است. ما غیر از اینها عید نداریم.

یکی از دلایلی که ما به عیدهای مهم (عید فطر، عید قربان، عید غدیر) خیلی اهتمام نمی کنیم این است که ما در مملکتیمان خیلی عید داریم. همه جشن ها و تولد ائمه را عید اعلام می کنیم.

تولد حضرت معصومه، تولد امام رضا و یک دهه عید داریم. اصلا عید اینطور نیست اصلا که یک دهه ما عید داشته باشیم. به این دهه میگویند دهه کرامت. اصلا ما همچین چیزی در خاطرمان نیست، همچین کارایی که مثلا دهه کرامت، بعد میشود دهه عید، دهه جشن. تمام موالید ائمه میشود دقیقا محل جشن، محل عید. حالا عیدهای ملی هم که خودش برای خودش و سر جای خودش داستانی است. وقتی که عیدها تکثر داده می شود هویت عیدهای واقعی هم از بین میرود. تذکر دادن و اینها غیر از این است که شما آن روز را عید اعلام بکنید.

ما عید مبعث نداریم. شما یک موقع هست میخواهید بزرگداشت بکنید، یک موقع همچین روزی را جشن اعلام میکنید.

عیدها کلا به بندگی کردنها ارتباط دارد. و همین تعداد (۳ عید) هم هست.

من خاطرم هست زمانی سر درس حضرت آیت الله جوادی میفرمودند به دنیا آمدن بدن عنصری امام اصلا عید ندارد؛ چونکه تازه دارد به دنیا می آید. یک موقع شما بگویند امام شد این درست است، بگویند که به دنیا آمد خوب به دنیا آمده که امام نبوده است. وقتی به دنیا آمده که امام نبوده است.

وقتی که جشنی مثل عید فطر گرفته می شود، همه بلند می شوند میروند جایی برای نماز عید خواندن با آن شکوه و عظمت یعنی یک کاری میکنند. عید غدیر صف کیلومتری می ایستند. پشت سر امام نماز می خوانند. این یعنی جشن، این یعنی عید.

ناگهان یک جشن میشود مثلا قهرمانی پرسپولیس برمی داریم اینقدر موشک میزنیم در هوا و معمولا در خیابان داد و بیداد می کنیم و شیرینی میدهند وسط خیابان، یعنی چی؟ این میشود جشن. وگرنه آگه کسی برود در ضمیر ما فی الضمیر خودش خوشحال بشود، اینکه نمیشود طرفداری. طرفداری پرطمطراق و داخلش بزن و بکوب دارد. طرفداری اینجوری است. دیدید چقدر طرفدارهای یک تیم برای تیم دیگر شاخ و شانه میکشند؟ تازه اینها قاعدتا باید برادری کنند. طرفداری یعنی اینکه شما برای دشمن خودت خیلی شاخ و شانه میکشید.

بعد اجتماعی مناسک و جشنها این نیست هر کسی از خودش کیک بگیرد بگذارد در خانه اش. منظور این است که خدا را دوست دارد. خدا میگوید ما دوست داریم جشن پر سروصدا باشد، جشن عید فطر پر سر و صدا باشد، این پر سروصدایی را ما اصلا میپسندیم.

یا اینکه در مورد عزاداری ها و شیوه ی عزاداری من خودم در محضر حضرت آقا بودم. ایشان به کسی فرمودند و من هم آنجا بودم و شنیدم. ایشان فرمودند: «من با دسته روی در بحث حضرت فاطمه زهرا(س) مخالفم». این را من خودم شنیدم. نه اینکه حضرت مادر برای حضرت آقا اهمیت نداشته باشد بلکه هر چیزی حساسی دارد.

شیوه ی عزاداری حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام نباید تکثر پیدا کند. آن متفاوت و خاص است و خود حضرات معصومین هم آن را اقامه می کردند و این نحوه ی اقامه ی عزا که روح آن هم مبارزه است محرم و عاشوراست که باید با سر و صدا و در خیابان و به صورت دسته های عزاداری

باشد. این مخصوص محرم و عاشورا است. محرم و عاشورا باید ویژه بماند و زیاد کردن این شیوه ی عزاداری ارزش آن را می کاهد.

یا مثلا در مورد نماز تراویح که در کشورهای عربی برگزار می شود کسانی که شرکت کردند میگویند بسیار نماز باشکوه و قشنگی است. یعنی این تعداد می ایستند، این مقدار قرآن می خوانند در نماز مستحبی به جماعت. منتهای مراتب همین این نماز تراویح محل شبهه و محل نقد است.

نکته این است که عید قربان این نکته ی خون به پا کردنش در همه اقوام هم بوده است. آیات سوره حج از این جنبه جالب توجه است. صفحه ۳۳۶ آیه ۳۴ را ببینید.

شما نگاه کنید دارد **لکل امتی هر امتی وَلِکُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلٰی مَا رَزَقَهُمْ مِّنْ بَهِيمَةٍ الْأَنْعَامِ**. ببینید میگوید هر امتی، ما یک منسکی برایش قرار دادیم برای اینکه **لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ**. یعنی همان حالت قربانی را برای همه اُمم قرار دادیم. **لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلٰی مَا رَزَقَهُمْ مِّنْ بَهِيمَةٍ الْأَنْعَامِ** که به وقت قربانی این کار را دقیقا انجام دهند. این هم در سیاق آیات حج است. یعنی نه اینکه فقط یک جایی قربانی را بکشید، بلکه اینها مناسک قربانی کردن است. **فَالِإِنَّهٗمْ إِلَىٰ وَحْدٍ فَلَهُۥٓ اسْلِمُوا۟ وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ** محبتین چه کسانی هستند؟ **الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلٰی مَا أَصَابَهُمْ** ببینید، اینها را انگار دارد به چیزی شبیه جبهه ربط میدهد. **وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ *** **وَالَّذِينَ جَعَلْنَا لَكُمْ مِّنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا حَبِيرٌ** این شترهای قربانی برای شما، این از شعائری است که برای شما قرار دادیم که برایتان خیلی خیر است، منافع دارد. یعنی شتری که آنجا قربانی میشود این منافع دارد برای شما. این حتما همانجا باید قربانی بشود. **حَبِيرٌ فَادْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافٍ** اینها وقتی که ایستادند نام خدا را ببرید **فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعَمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذٰلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ *** **لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَآؤَهَا وَلٰكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوٰى مِنْكُمْ** این خون و گوشتش به خدا نمیرسد، آن تقوایی که شما دارید، دارد به خدا میرسد. اون بعدی که شترها را آورید قربانی کنید و به خاطر خدا، دارید زمین میزنید چنین خونریزیهایی انجام می دهید، این **كَذٰلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلٰی مَا هَدٰنَكُمْ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ *** **إِنَّ اللَّهَ يُدْفِعُ عَنِ الَّذِينَ ءَامَنُوا** اصلا سیاق این سیاق است. اصلا شما عید اضحی و کلا اعمال را نگاه بکنید.

یکی از مواقف ما موقف مطاف است. که آن هم یک سری دستوراتی برای خودش دارد. یکی از مواقف ما کلا مسعاست و آن سعی است. یکی هم عرفات است و یکی هم مشعر است و یکی هم مناست. این مجموعه ۶ تا از مواقف عمده است که البته در منا بحث رمی جمرات و بحث قربانی هم هست.

ما یک عمره حج داریم و یک حج داریم. این حج [ذقیقه ۴۴] اینگونه است. کسی که میرود حاجی بشود اول محرم میشود و بعد میرود عمره حج را انجام میدهد نه عمره مفرده که عده ای غیر از ایام حج میروند. نه این حج مرسوم که میروند، یه دور برای ورود در منطقه حرم در مساجدی در یک موافقی هست که حالا بحثش مفصل است، یک جاهایی هست که میروند و محرم میشوند آنجا و اعمال را انجام میدهند و از احرام خارج میشوند. اینجاست که دیگر حاجی میشود یک حاجی علاف تا کی؟ به خصوص اگر مکه اول باشد، میشود یک حاجی علاف تا برسد به ایام حج. ایام حج که برای کسانی که الان بلند شدند رفته اند به مکه، خوب این باید سریع یک سری اعمال را انجام بدهد می رود در هتل تا کی؟ تا روز هشتم که آنجا حج است. عمره حکمش یک حالت عبادت فردی است کان. هرکسی هر موقع میرسد به حج میرود آنجا و حالا چقدر شیرین من نفهمیدم.

برای همین است که واقعا کلا که کسی بخواهد حج برود در سه چهار روز میتواند حج برود. (کاش حجها اینجور برنامه ریزی میشد که افراد به همین سبک حج بروند. یعنی سریع محرم بشوند، عمره حج را انجام بدهند و از احرام خارج بشوند و بعد بروند.)

حالا تمام حاجیها رفته رفته می رسند به مکه، آنهایی که مدینه اول بودند میرسند، همه میرسند منطقه مکه. چرا؟ برای اینکه بتوانند آن عبادت دست جمعی را انجام بدهند. زیرا عمره حج یک عبادت فردی است که قبل باید انجام بشود، یک آمادگی فردی است. آنجا هرکسی هر کاروانی هر موقع رسید محرم میشود و می رود کارش را انجام میدهد و از احرام خارج میشود. ولی میبینید دیگر روز هشتم که میشود چون باید برسند به عرفات که یک بیابانی است که حتما برای شما شناخته شده است. اینجا و در این زمان همه با هم محرم می شوند. این دیگر عبادت دست جمعی است. عبادت دست جمعی برای ما یک معنایی دارد. مثال نماز دست جمعی در مقابل نماز فرادا، مثال نماز جماعت. آن حالت قبلی فراداست تقریبا مثل نماز مستحبی و کارهای مستحبی است. واجب است ولی فردی است به عبارتی. این عبادت دست جمعی است یعنی یک اتفاق برای همه میافتد و عجیب است که همان گونه که در روایات ما هم هست هرچقدر آدم وارد میشود این مثل رحم یک مادر که به آن تعبیر هم شده است باز میشود. لذا هرچی آدم میایند به این منطقه عرفات و فلان و جا باز میشود، این جا دارد، جا باز میکند. حالا چگونه است که این جماعت به عرفات می روند. آدم فکر میکند که جا نمیشوند در عرفات که از ظهر روز نهم باید در آن منطقه عرفات باشند که دیگر اعمال را همه باید باهم انجام بدهند. برای همین یک شکوه و عظمتی ایجاد میشود، چنان باشکوه میشود که میشود صحرای محشر، چون همه با دوتا پارچه احرامی، طرف خانم ها هم لباس سفید. اصلا یک وضعیتی میشود آنجا. میشود یک محشر، محشر کبری. که واقعا انسان را هوایی میکند. میبینی باهمدیگر دارند کار و اعمال را انجام میدهند

چطور افاضه میکنند از عرفات به سمت مشعر، چطور بیتوته میکنند. یه وضعیتی دارد که حالا من نکات مهمش را ان شاء الله خدمتتان عرض خواهم کرد. این میشود حالت دست جمعی. عبادت دست جمعی اصلا یک جوری نیرودهی خود و در دهان دشمن زدن است. کار دست جمعی برای ما اینجوری است. داریم عبادت خدا میکنیم منتها دست جمعی. اینگونه در کنار همدیگر داریم به یکدیگر انرژی میدهیم.

حالا این تعبیر و این مثالی که میخواهم بزنم مثال نسبتا خوبی نیست، ولی از جهت گویا بودنش عرض می کنم، یک ملخ شناسی بود که ۲۰ سال کار او تحقیقات در مورد ملخ است در مورد همین مزارع جنوب کشور. میگفت ملخها وقتی که خودشان تکی پرواز میکنند حداکثر ۱۰۰ کیلومتر در روز پرواز میکنند ولی وقتی دست جمعی پرواز میکنند علی رغم اینکه پاهای آنها بهم میخورد (ملخها مثل پرندهها نیستند که بتوانند درست حرکت کنند) اینها بهم میخورند. میگفت بهم میخورند وقتی پاها به هم میخورد بهم دیگر انرژیهایی میدهند تا ۵۰۰ کیلومتر می توانند حرکت بکنند در روز. یعنی این حالت دست جمعی و خوردن و برخورد به همدیگر انرژی بخش است.

مثل همین کارهایی که میبینید انسانها وقتی که در کنار همدیگر قرار میگیرند. خیلی کارها در کنار همدیگر کوه میروند، کارهایی که به صورت فردی اساسا حوصله شان را ندارند. برای همین می فرماید: یدالله مع الجماعه که دست خدا با این جماعت است. در این حرکت تمرین امامت است.

آن موقع شما بالا را نگاه بکنید میبینید مثل مور و ملخ دارن میریزند که بروند به سمت مشعر و از آنجا بروند به سمت منا و بروند اعمال را انجام بدهند. این جماعت عظیم مثلاً حرکت بکنند به سمت طوافی که امام است یعنی دور امام بگردند، اینجا دارد یک همچین اتفاقی را رقم میزند، تا قبلش این حالت عید خون را هم به پا میکنن و عید قربان را، عید اضحی را. در عید اضحی هم شهوات خودشان و هم خواسته‌های خودشان را سر میبرند و هم به عالم میگویند که ما اینجوری ایستاده ایم، درکنار مسجد ما مسلخ هم داریم.